

درنگی بر ترجمه‌های دیک دیویس دیک دیویس: آرتور ویلی ادبیات فارسی

مصطفی حسینی^۱

مقدمه

دیک دیویس (۱۹۴۵-)، استاد ممتاز زبان و ادبیات کلاسیک فارسی دانشگاه دولتی اُهایو، شاعر، محقق، و مترجمی چیره‌دست است و در این سه حوزه خالق آثار ارزشمند و خواندنی. پرداختن بایسته به این حوزه‌ها نیازمند جستاری مستقل در باب هر یک است. موضوع جستار حاضر بررسی هنر ترجمه دیویس؛ آن‌هم فقط از فارسی به انگلیسی است، چراکه او از زبان ایتالیائی نیز آثاری را به انگلیسی ترجمه کرده است. بی‌گمان، دیویس در عداد آن دسته از مترجمان کامیابی است که «کارنامه درخشانی در کار ترجمه متون ادبی از فارسی به انگلیسی دارد» (امامی، ۳۹۳). در ابتدا به اختصار زندگینامه و در ادامه ترجمه‌های او را مرور می‌کنیم.

دیک دیویس در سال ۱۹۴۵ در پورتموث، شهری ساحلی در جنوب انگلستان، به دنیا آمد. اما بیشتر دوران خاطره‌انگیز کودکی‌اش را در دهی کوچک نزدیک مرز اسکاتلند، گذراند. دیویس در آنجا به مدرسه رفت. معلم ادبیات مدرسه او را به خواندن و سرودن ترغیب کرد. دیویس بعدها با تشویق همین معلم به دانشگاه کیمبریج رفت و ادبیات انگلیسی خواند. او مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشدش را به ترتیب در ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه کیمبریج، و دکترایش را در ادبیات کلاسیک فارسی در سال ۱۹۸۸ از دانشگاه منچستر دریافت کرد. وی در دانشگاه‌های متعددی مثل کالیفرنیا، نیوکاسل، دورهام و تهران تدریس کرده، و از سال ۲۰۱۲ استاد ممتاز بازنشسته ادبیات فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه دولتی اوهایوی آمریکاست.

شیفتگی مادر به کتاب و شعر، دیویس نوجوان را نیز به شعر و شاعری علاقه‌مند ساخت، چنان‌که پیش از ورود به دانشگاه با آثار بسیاری از شاعران بزرگ انگلیسی آشنا شد. یکی از کتاب‌های کتابخانه کوچک مادرش، رباعیات عمر خیّام ترجمه فیتزجرالد، او را با دنیای

^۱ استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

شگفت‌انگیز شعر کلاسیک فارسی آشنا کرد: «یکی از کتاب‌های خیلی عزیز دورهٔ بچگی من ترجمهٔ رباعیات ختّام به قلم فیتزجرالد بود. برای چند سال این ترجمه را از حفظ داشتم و فکر می‌کنم بیشترش را هنوز از حفظ دارم» (دهباشی، ۱۴۹). سال‌ها بعد که دیویس به ایران آمد، معشوق دیرین دیگر بار چهره نمود و او را با خود به جهان شکوهمند شعر کلاسیک برد: «اهمیت شعر در فرهنگ ایرانی چیزی بود که زمانی که آن را کشف کردم برایم خیلی جذاب بود؛ شعر فارسی یکی از عواملی بود که مرا در ایران ماندگار کرد» (اپلتن، ۲۹). این علاقه او را بر آن داشت تا در سال‌های حضور خود در ایران از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ به تحقیق و تتبع در گسترهٔ درازدامن ادب دیرینه‌روز پارسی اهتمام ورزد. هم در این سال‌ها بود که شریک زندگی‌اش را، بانو افخم دربندی، از سرزمینی که به ادبیات آن دلباخته بود برگزید و در سال ۱۹۷۴ با وی ازدواج کرد. پس از ترک ایران، «عشق به شعر فارسی که بر اثر خواندن نخستین جلد مثنوی معنوی در او شکوفا شده بود، دیویس را بر آن داشت تا به تحصیل در مقطع دکترای ادبیات کلاسیک فارسی در دانشگاه منچستر انگلستان بپردازد» (فرهادی، ۱۳۵).

دیویس آثار متعددی را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده که به ترتیب زمانی عبارتند از: (۱) *منطق الطیر* عطار نیشابوری (۱۹۸۴)، (۲) *داستان سیاوش* (۱۹۹۲)، (۳) *رمان دانی‌جان ناپلئون ایرج پزشک‌زاد* (۱۹۹۶)، (۴) *دردانه‌ها: گزیده‌ای از اشعار کوتاه کلاسیک فارسی* (۱۹۹۶)، (۵) *شاهنامهٔ فردوسی* (۲۰۰۶)، (۶) *ویس و رامین* فخرالدین اسعد گرگانی (۲۰۰۷) و (۷) *صور عشق: حافظ و شاعران شیراز* (۲۰۱۲). وی همچنین مدخل‌های متعددی را برای *دانشنامهٔ ایرانیکا* — مثلاً مدخل ادوارد فیتزجرالد، ویس و رامین — و *دایره‌المعارف/سلام* نوشته است. بر این‌ها باید کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی را دربارهٔ ادبیات انگلیسی نیز افزود. از آن جمله است: *تصحیح مجموعه اشعار شاعر عارف مسلک انگلیسی توماس تراهرن* (۱۹۸۰) و *رباعیات عمر ختّام ترجمهٔ فیتزجرالد* (۱۹۸۹). دیویس بر ترجمهٔ فیتزجرالد مقدمه، حواشی و تعلیقات بسیار سودمندی افزوده است. این کتاب طی هفت سال به چاپ پنجم رسید.

آثار ترجمه‌شده

(۱) *منطق الطیر*. دیویس به کمک همسرش، افخم دربندی، در گام نخست *منطق الطیر* عطار را به انگلیسی ترجمه کرد. این ترجمه تقریباً ۴۵۰۰ بیت است، و انجام آن دو سال به درازا کشید. این نخستین بار نبود که *منطق الطیر* به انگلیسی ترجمه می‌شد، پیشتر نیز کسانی در این راه قدم نهاده بودند: (۱) ادوارد فیتزجرالد (*انجمن مرغان*، اولین بار با عنوان *گزیده‌ای از*

انجمن مرغان عطار^۱، ۱۸۸۹). این ترجمه محذوفات فراوانی دارد و فقط یک‌سوم متن عطار را شامل می‌شود:

سومین ترجمه فیتزجرالد از ادبیات فارسی، *انجمن مرغان* (مأخوذ از *منطق‌الطیر عطار*) است، که او در فاصله سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۲ گاه و بیگاه سرگرم ترجمه آن بود. در میان ترجمه‌های فارسی او این ترجمه کمترین توفیق را به دست آورد. شاید فیتزجرالد خود این نکته را به فراست دریافته بود، بدین سبب اهتمام چندانی به انتشار آن نداشت. افزود و کاست‌های معمول او در این ترجمه حتی بیشتر از *سلامان و ابسال* جامی است. به علت عدم درک جزئیات اثر او چندان از متن کتاب کاسته که ساختار آن، که نظر مساعدی هم نسبت بدان نداشت (ترهیون، ج ۲، ص. ۲۵۲)، به طور جدی آسیب دیده است؛ او در متن خیلی دخل و تصرف کرده، و گهگاه متن را — شاید به نیت انتشار — نیز تلطیف و تنقیح کرده، مخصوصاً در مواردی که در متن اصلی شائبه همجنس‌بازی وجود داشته است . . . شاید بتوان بخش‌هایی از این ترجمه را — خاصه بخش‌های پایانی (مانند وقتی که پرندگان سیمرخ افسانه‌ای را ملاقات می‌کنند) — از نمونه‌های ناب شعر انگلیسی دانست. بر این‌ها باید ترجمه بسیار زیبا و استادانه حکایتی موزن که در آن کودکی در شبی توفانی با چراغ بیرون می‌رود را نیز افزود (دیویس، ۱۳۹۶).

۲) ر. ه. مسنی^۲ (۱۹۲۴). ترجمه مسنی، محقق هندی، از ترجمه فیتزجرالد کامل‌تر و وفادارتر است. برخلاف ترجمه فیتزجرالد این ترجمه به نثر است، اما نثر مسنی چندان روان و سلیس نیست و با حذفاتی نیز همراه است. ۳) مارگرت اسمیت (۱۹۳۲). ترجمه اسمیت در کتاب *عرفای ایرانی: عطار*^۳، صفحات ۳۴-۶۴، به سال ۱۹۳۲ در لندن منتشر شد. این ترجمه نیز منشور است و چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید شامل گزیده‌هایی از *منطق‌الطیر* است. ۴) چارلز استنلی نات^۴ (۱۹۵۴)، چاپ دوم برکلی (۱۹۷۱). این ترجمه نیز به نثر است و افزون بر داشتن محذوفات، به دلیل آن‌که نات فارسی نمی‌دانست، بر اساس ترجمه فرانسوی گارسن دو تاسی^۵ است.

^۱ *A Bird's Eye-View of Farid-uddin Attar's Bird-Parliament*

^۲ R. H. Masani

^۳ Margaret Smith's *The Persian Mystics: Attar*

^۴ Charles Stanley Nott

^۵ Garcin de Tassy

ترجمه دیویس به نظم و بر اساس منطق الطیر عطار چاپ دکتر سیدصادق گوهرین (بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹) است. در ترجمه یک منظومه به انگلیسی، مترجم می‌تواند یکی از دو قالب عروضی شعر سپید یا مثنوی، دو قالب سنتی منظومه‌سرائی به انگلیسی، را برگزیند. دیویس قالب مثنوی^۱ را برگزید زیرا که شباهت زیادی به قالب مثنوی فارسی دارد، به‌علاوه در این قالب مانند مثنوی فارسی هردو مصرع مقفّی هستند. ترجمه دیویس نیز با دخل و تصرفاتی همراه است. او آغاز (۶۱۶ بیت، صص. ۷۹-۱۰۳) و انجام (۲۴۲ بیت، صص. ۲۶۷-۲۷۷) منطق الطیر را که جمعاً ۸۵۸ بیت (مطابق تصحیح دکتر شفیع کدکنی)، یعنی نزدیک به یک‌پنجم کل کتاب را، که گوئی آن را برای خواننده غربی ضروری نمی‌دانسته، حذف کرده است. دیویس به‌جای این دو بخش مقدمه و مؤخره‌ای به کتاب افزوده که برای خواننده غربی مفید و ضروری است. بر این افزوده‌های دیویس ایرادهائی وارد است که استاد حشمت مؤید در کتاب‌گذاری‌اش بر این ترجمه آن‌ها را برشمرده است. ترجمه دیویس با حسن اقبال فراوانی روبه‌رو بوده و ناشر معتبری، انتشارات پنگوئن، آن را به زیور چاپ آراسته است. به قولی «ترجمه منطق الطیر شاهکاری است در ترجمه ادبیات کلاسیک فارسی به انگلیسی در سال‌های اخیر. امتیاز این ترجمه ... این است که به زبان انگلیسی روشن‌امروزین درآمده است» (پارسی‌نژاد، ۲۳). به‌علاوه، منتقدی آن را بهترین ترجمه انگلیسی شعر کلاسیک فارسی «که از زمان رباعیات فیتزجرالد تاکنون صورت گرفته است» برشمرده است (بنانی، ۵۶۹). صاحب‌نظری نیز آن را ترجمه‌ای شیرین و گیرا توصیف کرده که در مواردی گاه به لحاظ سبک بر اصل برتری دارد (یارشاطر، ۷۲۳). گفتنی است که تازه‌ترین ترجمه منطق الطیر برگردان بیت‌به‌بیت و تحت‌اللفظی پیتز ایوری زیر عنوان سخن مرغان^۲ (کیمبریج، ۱۹۹۸) است.

منطق الطیر دیویس ترجمه زیبا و وفاداری است، اما زیبایی بر وفاداری می‌چربد: «بیشتر از همه، می‌خواستم شعر خوب و روان انگلیسی بنویسم و سعی کردم به شعر و معنی عطار هم وفادار بمانم ولی این نگرانی اولم نبود ... [زیرا] آن موقعی که منطق الطیر را ترجمه کردم جوان بودم و زیبایی را بیشتر دوست داشتم» (خزاعی‌فر، ۲۴). در سال ۲۰۱۱ انتشارات پنگوئن منطق الطیر دیویس را بازچاپ کرد. این چاپ جدید شامل کل منطق الطیر، از جمله مقدمه و مؤخره محذوف چاپ اول، است.

^۱ heroic couplet

^۲ The Speech of the Birds, Concerning Migration to the Real, The Mantiq t-Tair

۲) *داستان سیاوش* (۱۹۹۲). *داستان سیاوش*^۱ از *شاهنامه* فردوسی دومین ترجمه دیویس از ادبیات کلاسیک فارسی بود که انتشارات پنگوئن آن را در سال ۱۹۲۲ منتشر کرد. دیویس برای نگارش رساله دکتری خود زیر عنوان «تضاد پدر-پسر و پادشاه-رعیت در *شاهنامه*» ابتدا تمام *شاهنامه* را، که دو سال طول کشید، در مطالعه گرفت. او بعدها این رساله را، البته با افزودن و کاست‌هایی، در قالب کتابی با عنوان *حماسه و آشوب*^۲ منتشر کرد. این اثر «نه تنها کتابی بلیغ و خوش‌منطق در تحلیل *شاهنامه* و نمودن مایه‌های اساسی آن است، بلکه کوشش کامیابی هم در نشان دادن اهمیت *شاهنامه* و هنر ادبی آن به مردم مغرب زمین است» (یارشاطر، ۷۲۲). امین بنانی این اثر دیویس را، که آن را *حماسه و نافرمانی* می‌نامد، بهترین کتابی برشمرده که در سالیان اخیر درباره *شاهنامه* [در غرب] نوشته شده است (بنانی، ۵۷۲). *شاهنامه* پژوه نامدار، دکتر محمود امیدسالار، نیز با وجود مردود دانستن برخی دیدگاه‌های دیویس، کتاب او را می‌ستاید: «... سهو‌هایی از این دست در سراسر کتاب وجود دارد. درست است که این سهوها آزاردهنده‌اند، اما از اهمیت تفاسیر و نگاه‌های نوآورانه دیویس نمی‌کاهد. این کتاب هنوز هم اصیل‌ترین و لذت‌بخش‌ترین کتاب درباره *شاهنامه* به انگلیسی است» (امیدسالار، ۲۴۳).

دیویس *داستان سیاوش* را به شعر سپید (شعر آهنگین اما بدون قافیه) ترجمه کرد. پیش از این، ترجمه‌های کامل و ناقصی به نظم و نثر از تمام یا گزیده *شاهنامه* به زبان انگلیسی وجود داشت. دیویس به گفته خود به برخی از آن‌ها مانند ترجمه ژول مول، برادران وارنر، و روبن لوی نیز مراجعه کرده است. اما ترجمه درخشان او از لون دیگری است: روان، آهنگین، و جذاب. این ترجمه «به حق در بعضی از دانشگاه‌های [انگلیسی‌زبان] از کتاب‌های درسی ادبیات شرق است ... ترجمه موزون او (که ای کاش آن را هم مقفی ساخته بود) بهترین برگردان انگلیسی پاره‌ای از *شاهنامه* است که در دست داریم» (بنانی، ۵۶۹). دیویس بعدها با بیانی حسرت‌آمیز در باب این ترجمه چنین گفت: «چند سال پیش داستانی از *شاهنامه*، *داستان سیاوش* را به شعر سپید ترجمه کردم، اگرچه مُنکر ارزش‌های آن نیستم اما ای کاش آن را به نظم ترجمه می‌کردم، زیرا *شاهنامه* سراسر منظوم است و مترجمی که درصددِ برگردانِ ظرائفِ صوری متن اصلی است باید قالب نظم را برگزیند» (دیویس،

^۱ The Legend of Seyavash

^۲ Epic and Sedition

۱۳۹۵). ترجمه دیویس افزون بر وفاداری تام به سخن جادوانه فردوسی از زیبایی و روانی چشمگیری برخوردار است. او کوشیده است که امانتداری و زیبایی را، توأمان، حفظ کند.

۳) *دائی جان ناپلئون* (۱۹۹۶). دیویس که با ادبیات معاصر، خاصه شعر، میانه خوبی ندارد برای سومین کار به سراغ یک رمان رفت، رمان طنزآمیز *دائی جان ناپلئون*^۱ به قلم ایرج پزشک‌زاد. پزشک‌زاد این کتاب را در سال ۱۳۴۹ خورشیدی نوشت. پس از آن ناصر تقوایی^۲ در سال ۱۳۵۵، با ساخت یکی از ماندگارترین سریال‌های تلویزیونی چند دهه گذشته، برپایه این رمان و در مجموعه‌ای به همین نام، شهرت آن را به اوج رساند. دیویس *دائی جان ناپلئون* را برجسته‌ترین و عامه‌پسندترین رمان ایرانی پس از جنگ جهانی دوم می‌داند. انتشارات میچ^۳ در جولای سال ۱۹۹۶ و انتشارات معتبر رندم هاوس^۴ در سال ۲۰۰۶ کتاب را به ترتیب، منتشر و تجدید چاپ کردند. دیویس این اثر را به دو دلیل برگزید. نخست این که، شیفته آن بود و می‌خواست توانایی‌های خود را در ترجمه اصطلاحات عامیانه فارسی به انگلیسی بیازماید: «از این کار خوشم می‌آید. اما کار دشواری است. چون خیلی از افراد این رمان با اصطلاحات بسیار عامیانه صحبت می‌کنند و پیدا کردن اصطلاحات انگلیسی معادل آن‌ها کار آسانی نیست» (دهباشی، ۱۵۴). دیگر این که، این رمان تصویر زنده، واقعی، و گویائی از وجوه عاطفی مردم ایران — اشک، لبخند، گریه، خنده، عشق، قهر، آشتی، راستی، دروغ، کلک ... — عرضه می‌کند و با تصویر دیگری که غربیان، عموماً منفی، از ایرانیان دارند کاملاً متفاوت است. او از رهگذر این ترجمه می‌خواست به آن‌ها نشان دهد که مردم ایران مثل مردم تمام دنیا هستند با همان عواطف و احساسات، با همان نقاط قوت و ضعف: «چرا *دائی جان ناپلئون* را ترجمه کردم؟ ... چون که عاشق این رمان هستم ... البته دلایل دیگری هم بود. یکی این که تصویر اجتماع ایران در این رمان ... با تصویری که بیشتر مردم غرب دارند خیلی متفاوت است» (خزاعی‌فر، ۲۵). در مجموع، ترجمه دیویس به متن اصلی، بسیار وفادار و به گمانم قرین توفیق بوده است.

^۱ My Uncle Napoleon

^۲ تقوایی پیشتر و در سال ۱۳۵۳ نیز فیلم *خلاف آمد* «آرامش در حضور دیگران» را بر اساس داستان بلندی از غلامحسین ساعدی، به همین نام ساخته بود.

^۳ Mage Publishers

^۴ Random House

۴) *دردانه‌ها: اشعار کوتاه فارسی* (۱۹۹۷). در سال ۱۹۹۷ دیویس ترجمه‌ای با عنوان *دردانه‌ها: اشعار کوتاه فارسی*^۱ را روانه بازار کرد. این جُنگ شامل ترجمه گزیده اشعار کوتاه مانند رباعی‌ها، دوبیتی‌ها و قطعاتی از قرون آغازین شعر کلاسیک فارسی است که طی پنج شش سال به سامان رسیده است. وی افزون بر نگارش مقدمه‌ای جامع، در ابتدای هر بخش به معرفی مختصر شاعر مدّ نظر نیز پرداخته است: «توضیح کوتاه مترجم درباره این شاعران نه تنها زمینه را برای درک بهتر اشعار آنان فراهم می‌کند بلکه کنجکاوای بیشتری را نیز در ذهن خواننده دامن می‌زند» (تلفّظ، ۵۷۵).

شاعرانی که دیویس برای این مجموعه برگزیده در دنیای انگلیسی‌زبان اصلاً و یا چندان شناخته شده نیستند، از آن میان می‌توان به منجیک ترمذی، ازرقی هروی، عماره مروزی، آغاجی بخارائی، مهستی گنجوی، جهان‌ملک خاتون، عایشه سمرقندی، دختر سالار، و . . . اشاره کرد: «یکی از لذّات خواندن کتاب *دردانه‌ها: اشعار کوتاه فارسی* ترجمه دیویس اشعاری برگزیده اوست که [در دنیای انگلیسی‌زبان] چندان معروف نیستند . . . من فقط یک قطعه را پیدا کردم که قبلاً ترجمه شده است» (بیرد، ۵۸۸). مراد قطعه‌ای از عنصری است که پیشتر بزل بانتینگ (۱۹۸۵-۱۹۰۰) آن را در قالب شعر آزاد ترجمه کرده، البته وی آن را به رودکی نسبت داده است. شمار شاعرانی که دیویس اشعار آنان را در کتاب خود آورده، به ۶۸ تن می‌رسد. انتخاب شکل و قالب مناسب (قالب عروضی) برای برگردان این اشعار نیز از نقاط قوت کار دیویس است. درج اشعار فارسی این کتاب دوزبانه (انگلیسی-فارسی) به خط نستعلیق هنرمند خوشنویس، حسین تابناک، که نشان از خوش‌ذوقی ناشر دارد، بر زیبایی و وزانت کتاب افزوده است.

۵) *شاهنامه* (۱۹۹۸-۲۰۰۴). *شاهنامه*، اثر جاودان پیر هژیر توس، چهارمین هم‌اوردِ سترگی است که دیویس پنجه در پنجه آن افکند. وی چنان‌که پیشتر آمد، افزون بر *داستان سیاوش* کتاب و مقالات چندی در باب فردوسی و شعرش نوشته بود. خوشبختانه ایام وفا کرد، و دیویس در مجالی مغتنم به ترجمه *شاهنامه* دست یازید. این ترجمه شش سال (۱۹۹۸-۲۰۰۴) به درازا انجامید. وی در فاصله این سال‌ها کتاب را زیر عناوین *شیرو سریر*^۲ (۱۹۹۸)، *پدران و پسران*^۳ (۲۰۰۰)، و *غروب امپراتوری*^۱ (۲۰۰۴) روانه بازار کرد. سپس انتشارات

^۱ Borrowed Ware: Medieval Persian Epigrams

^۲ The Lion and the Throne

^۳ Fathers and Sons

وایکینگ (سال ۲۰۰۶) و انتشارات پنگوئن (سال ۲۰۰۷) آن را در یک جلد و در مجموعه کتاب‌های کلاسیک، با مقدمه آذر نفیسی، زیر عنوان *شاهنامه فردوسی* منتشر کردند. روزنامه *واشنگتن پست* ترجمه شاهنامه او را به عنوان یکی از «ده کتاب برتر» سال ۲۰۰۶ معرفی کرد (فرهادی، ۱۳۶).

پیش از دیویس *شاهنامه*، کلاً و جزئاً، بارها به نظم و نثر انگلیسی ترجمه شده بود، اما ترجمه دیویس رنگ و بوی دیگری دارد. ترجمه دیویس آمیزه‌ای از نظم و نثر است. با این که طبع وی همواره خواهان ترجمه شعر به نظم بوده، به گمان او برای انتقال ظرائف صوری متن اصلی باید قالب نظم را برگزید، اما ترجمه منظوم تمام *شاهنامه* کاری سترگ و بس آرمان‌گرایانه است. از این رو، وی شیوه نقالی، شیوه رواج عامیانه داستان‌های *شاهنامه* در فارسی، را مناسب‌ترین شیوه دانست. به دو دلیل: نخست این که *شاهنامه* در متن فرهنگ ایرانی همیشه به منزله جنگی از داستان‌ها دائماً توسط نقالان به صورت شفاهی روایت و اجرا می‌شده است. دیگر این که، نقالی آمیزه‌ای از نظم و نثر است، در نقالی روایت‌ها بیشتر منشورند، اما نقاط اوج داستان منظوم است. به علاوه نقالی متضمن اشاعه روایات *شاهنامه*، و آشکارترین جلوه حیات عام این روایات در متن فرهنگ ایرانی بوده است (دیویس، ۱۳۹۵، ص. ۳۴).

قصید دیویس از ترجمه *شاهنامه* نه ارائه متنی برای اهل فن، بلکه عرضه آن به طیف وسیعی از مخاطبان عام است: «من شاهنامه را نه برای ادبا و اهل فن که به متن اصلی، که اکنون در چاپ‌های نسبتاً خوب موجود است، دسترسی دارند، بلکه برای نسلی در آستانه انقراض — یعنی خواننده عام — ترجمه کرده‌ام» (دیویس، ۱۳۹۵، ص. ۳۴). به گفته دیویس مترجم *شاهنامه* با دو مشکل عمده روبروست: یکی حجم و دیگری موضوع. ترجمه *شاهنامه* به نظم کاری بسیار دشوار و زمان‌بر است، و به برآورد دیویس بیست سال به طول می‌انجامد. به علاوه خواننده انگلیسی خواندن متون روائی منظوم و بلند را بر نمی‌تابد: «حتی در اوج رونق منظومه‌سرایی در ادبیات انگلیسی، یعنی در قرن ۱۶ و ۱۷، هیچ دیوان شعری چه در قالب مثنوی، و چه شعر سپید متجاوز از دو هزار صفحه نبوده است» (دیویس، ۱۳۹۵، ص. ۳۲). از این رو بدیهی است که شعری از این دست، امروزه خواننده‌ای نخواهد داشت. وانگهی در زبان انگلیسی به دلیل نبود تمهیدات بلاغی و ذخیره واژگانی لازم برای توصیف نبرد و آوردگاه، دست مترجم خالی است: «حماسه در معنی واقعی کلمه در ادبیات انگلیسی

¹ Sunset of Empire

وجود ندارد؛ نزدیک‌ترین نمونه انگلیسی به ژانر حماسه بیوولف است، که آن هم به زبان انگلوساکسن است، نه انگلیسی، و تنها بخشی از آن حماسی است، نه نمونه‌ای تمام‌عیار از این نوع ادبی. در زبان انگلیسی حماسه واقعی بهشت گمشده جان میلتن است، که حماسه‌ای است مذهبی، نه عرفی، اگرچه صحنه‌های نبرد فرشتگان در آن به تقلید از آثار حماسی هومر و ویرژیل سروده شده است» (دیویس، ۱۳۹۵، ص. ۳۷).

۶) ویس و رامین (۲۰۰۸). اثر دیگری که دیویس به ترجمه آن همت گماشت ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی بود. ترجمه این کتاب چهار سال (۲۰۰۴-۲۰۰۸) به طول انجامید. دیویس آن را نخستین هوسنامه^۱ مهم ایرانی، و یکی از درخشان‌ترین و جذاب‌ترین داستان‌های عاشقانه‌ای می‌داند که در سرتاسر جهان قرون وسطا، اعم از اسلامی و مسیحی، نوشته شده است. پیش از او، جرج مورین^۲ از روی چاپ دکتر محبوب (۱۳۳۷/۱۹۵۹) ترجمه‌ای منشور و نه چندان وزین از کتاب عرضه کرده بود (نیویورک، ۱۹۷۲): «حاصل کار ملال‌آور است. زبان شیرین، دلنشین، و غنائی فخرالدین گرگانی، با صنایع و بدایع ادبی و ظرائف موسیقائی آن، در زبان نثر امروز انگلیسی رنگ باخته و بی‌اثر است» (پارسی‌نژاد، ۲۵). دیویس ترجمه منشور جُرج مورین را چنین ارزیابی کرده: «درست است که در تفسیر بعضی ابیات با مورین اختلاف نظر دارم، اما برخی پیشنهادات او را در باب [رفع] ابهامات ویس و رامین بسیار مفید می‌دانم» (دیویس، ۲۰۰۸، ص. ۴۱). سرّ علاقه وافر دیویس را به این منظومه عاشقانه فارسی در پاسخ او به این پرسش که شاعر یا نویسنده کلاسیک موردعلاقه شما کیست و چرا؟ و اثر محبوب‌تان کدام است؟ به نیکی می‌توان دریافت:

پاسخ این سؤال بسیار دشوار، و احتمالاً ناممکن است. آثاری که بهتر می‌شناسم طبعاً آثاری هستند که ترجمه کرده‌ام (هیچ چیز مانند ترجمه به شناخت یک اثر کمک نمی‌کند، البته اگر فرد کارش را به‌درستی انجام دهد) و انتخاب بین آن‌ها درست مثل این است که از پدری یا مادری بخواهی تا از بین فرزندان یکی را برگزیند. کار بس دشواری است زیرا من فقط آثاری را ترجمه می‌کنم که عاشق آن‌ها هستم (ترجمه آثاری که اندکی به آن‌ها علاقه‌مندم بی‌فایده است، به‌ویژه وقتی که پای آثار محبوب من در میان است). اما اگر مجبور به انتخاب یکی باشم، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی را برمی‌گزینم که علاقه خاصی بدان دارم. این اثر متأسفانه در خود ایران هم چندان محبوب نیست، اقا برای من شعر

¹ romance

² George Morrison

شگرفی است، به لحاظ زیبایی و جذابیت یگانه است، و به نظر من یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های عاشقانه جهان است. هیچ وقت مانند زمانی که اثر گرگانی را ترجمه می‌کردم به نویسنده‌ای احساس نزدیکی نکرده‌ام؛ گوئی که او هراسناک گهگاه در اتاق کنار من بود، مخصوصاً وقتی که در سکوت شب سرگرم ترجمه بودم. پس از او حافظ شگفت‌آور درک‌ناشدنی است — شاعری، که به تعبیر دوستی، «همیشه دست‌نیافتنی است». اگر بخواهم رابطه متفاوت خود با شعر گرگانی و حافظ را بازگویم، فکر می‌کنم گرگانی با آغوشی گرم به استقبال من آید، اما حافظ مدام مرا مسحورانه می‌آزارد؛ درواقع، بخشی از جذابیت شعر حافظ در این است که به میزان صراحت، مبهم نیز هست. اصلاً نمی‌شود سر از کارش درآورد (اپلتن، ۷۶).

جدا از این، دیویس به خاطر دلبستگی‌اش به این اثر حتی نام رایانامه‌اش را گرگانی گذاشته است. ترجمه دیویس بر اساس سه چاپ از این شعر صورت گرفته: یکی چاپ محمدجعفر محجوب (تهران ۱۳۳۷ / ۱۹۵۹)، دیگر چاپ ژاپنی به اهتمام امیکو اکادا و کوزهی‌کیو ماچیدا (توکیو، ۱۹۹۱) و چاپ محمد روشن (تهران، ۲۰۰۳/۱۳۸۱). به‌علاوه، وی به بهترین نسخه خطی بازمانده شعر، که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود، مراجعه کرده است. ترجمه دیویس از جایی شروع می‌شود که در نسخه‌های خطی عنوان آن «آغاز داستان ویس و رامین» است، و مطالب مقدماتی پیش از آن را، که عمدتاً به تعریف و تمجید از ممدوح گرگانی و خدم و حشم او می‌پردازد، حذف کرده است. وی مطالب تمجیدآمیز بعد از پایان داستان را نیز حذف کرده است. در مواردی که چاپ‌ها با هم فرق دارند عموماً چاپ محمد روشن را — البته نه در همه موارد — مبنا قرار داده است.

ویس و رامین همچون دیگر منظومه‌های فارسی در قالب مثنوی است، ابیات آن تقریباً شبیه بیت پنج ضربی^۱ انگلیسی است که «بیت حماسی» نامیده می‌شود. از آنجا که در ادبیات انگلیسی از قرون وسطا به بعد بیت پنج ضربی ابزاری برای سرایش شعر روائی بوده، و این قالب نزدیک‌ترین قالب انگلیسی به شعر گرگانی است، دیویس برای این ترجمه از آن بهره برده است. دیویس کوشیده است یک بیت فارسی را به یک بیت انگلیسی ترجمه کند، البته نه در تمامی موارد، بعضی اوقات به دلیل انتقال معنی به‌ناچار یک بیت فارسی را به دو بیت انگلیسی ترجمه، و در مواردی اندک دو بیت فارسی را در یک بیت انگلیسی تلخیص کرده است. افزون بر این‌ها، «برای انتقال روند معنی داستان کوشیده‌ام لحن آن را نیز عرضه کنم، خاصه وقتی که بین شخصیت‌ها گفتگوهای طولانی در جریان است؛ از آنجا

¹ iambic pentameters

که تشبیهات و استعاره‌ها نقش بسزائی در انتقال فضای داستان گرگانی دارد، در ترجمه برخی از آن‌ها به زحمت افتاده‌ام. عناوین انگلیسی، به استثنای یک مورد، با عناوین موجود در متن فارسی مطابقت دارد» (دیویس، ۲۰۰۸، ص. ۴۰).

۷) *موش و گربه* (۲۰۰۸). موش و گربه اثری است طنزآمیز با رنگ‌مایه سیاسی منسوب به عبید زاکانی، که شمار ابیات آن در چاپ‌های مختلف متفاوت است مثلاً در چاپ عباس اقبال و چاپ پرویز اتابکی (۹۹ بیت)، و چاپ محمدجعفر محجوب (۱۷۰ بیت). موش و گربه تاکنون، تمام و یا بخش‌هایی از آن، شش بار به انگلیسی ترجمه شده است. که به ترتیب زمانی عبارتند از: ۱) ادوارد براون (۱۹۲۸)، ۲) مسعود فرزاد (۱۹۴۵)، ۳) عباس آریانپور (۱۹۷۱)، ۴) عمر- شکسپیر پاوند (۱۹۷۲)، ۵) بزل بانتینگ (۲۰۰۰)، و ۶) دیک دیویس (۲۰۰۸). بررسی این ترجمه‌ها از حوصله این جستار خارج و نیازمند نوشتاری مستقل است.

ترجمه دیویس اول بار در سال ۲۰۰۸، توسط انتشارات لوگان الم، سپس در کتاب *اخلاق/لاشراف و سایر آثار طنزآمیز عبید زاکانی*^۱ (۲۰۰۸) اثر حسن جوادی و سرانجام در سال ۲۰۱۳ در کتاب *صور عشق: حافظ، و شاعران شیراز*^۲ منتشر شد. دیویس این اثر را زیر عنوان *مأنوس «گربه و موش»*، ترجمه کرده است. ترجمه وی به نظمی تندرست و استوار و بر اساس کلیات عبید زاکانی تصحیح پرویز اتابکی است. او برای این شعر قالب مناسب مثنوی، و زیرژانر حماسه هزل‌آمیز/ بدلی^۳ را برگزید؛ که الگوئی آشنا و مقبول طبع خواننده انگلیسی است. اوج طنزسرائی در ادبیات انگلستان، دوره موسوم به نوکلاسیک (۱۶۶۰-۱۷۹۸) است. در این دوره طنز، منظوم و منثور، ژانری غالب بود و بزرگانی مانند جان درایدن^۴، الکساندر پوپ^۵، جاناتان سوئیفت^۶، و سموئل جانسن^۷ از جمله سرآمدان آن بودند. استاد مسلم حماسه هزل‌آمیز/ بدلی در شعر انگلیسی، الکساندر پوپ است و اثر معروف او «تطاول زلف»^۸، زبازرد خاص و عام. ترجمه دیویس به دلیل قالب و سبک مناسب و نیز نظم

^۱ The Ethics of the Aristocrats and. Other Satirical Works

^۲ Faces of Love: Hafez and the Poets of Shiraz

^۳ mock-epic

^۴ John Dryden

^۵ Alexander Pope

^۶ Jonathan Swift

^۷ Samuel Johnson

^۸ The Rape of the Lock

شاعرانه موفقیت آمیز و از ترجمه‌های پیشین قوی‌تر است: «در سنجه با دیگر ترجمه‌ها» ترجمه‌ام را هم دقیق‌تر و هم به شعری انگلیسی نزدیک‌تر می‌دانم. شاید این پاسخ سخنی از سر غرور به نظر برسد اما اگر ترجمه‌ام را بهتر از سایر ترجمه‌ها نمی‌دانستم (لطفاً دقت کنید که ادعا نمی‌کنم ترجمه‌ام خوب است) هرگز آن را چاپ نمی‌کردم» (فرهادی، ۱۴۰).

۸) *صور عشق؛ حافظ، و شاعران شیراز (۲۰۱۲)*. سه تن از شاعران دربار آل اینجو یعنی حافظ، جهان‌ملک خاتون، و عبید زاکانی پایان‌بخش ترجمه‌های دیویس است. از آن میان ترجمه شعر جهان‌ملک و عبید زاکانی نسبت به غزلیات حافظ به مراتب آسان‌تر است. این بار دیویس به غواصی در بحر موج شعر حافظ خطر کرده است؛ به امید آن که گوهری فراچنگ آرد. ناگفته پیداست که ترجمه غزلیات حافظ به زبان انگلیسی، و توسعاً به هر زبان دیگری، کاری است به‌غایت دشوار. وی در پاسخ به این پرسش که: «از میان ترجمه‌های تان کدام سخت‌ترین بوده و چرا؟» چنین می‌گوید:

شعر حافظ دشوارترین شعرها برای ترجمه است، و من در مقاله «در باب ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ»، که پس از انتشار تا مدت‌ها موضوع بحث بود، چرایی ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ را توضیح دادم. با وجود این، چند سال بعد بر آن شدم تا گزیده‌ای از غزلیات او را ترجمه کنم، غنای زبان، تلمیحات مکرر، ابهام لفظی و معنوی، پاشانی مضمون، بازی با گونه‌های مختلف زبانی، همه در خدمت تبدیل فضای شعر به آوردگاهی برای مترجم است. و حاصل چیزی جز ناکامی نیست؛ تنها کاری که می‌توان کرد این است که به تعبیر سموئل بکت شکست را پیروزمندانه پذیرا شوی (اپلتن، ۳۱).

چنانکه آمد، دیویس خود به دشواری و ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ وقوف داشته و سال‌ها پیش در مقاله رهگشا و روشنگر، «در باب ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ»، چنین نوشته بود:

سال‌ها پیش ناشری از من خواست که در صورت تمایل گزیده‌ای از غزلیات حافظ را به نظم ترجمه کنم. من از این پیشنهاد خیلی خوشحال شدم، زیرا از نگاه عموم، حافظ (شاعر قرن هشتم ق.) بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران است، و ترجمه گزیده‌ای از غزلیات او برای هر مترجم امر خطیری است و به زحمتش می‌ارزد. دست به کار ترجمه چند غزل شدم، پس از حک و اصلاح مکرر، نتیجه کاملاً نومیدکننده بود. ترجمه منظوم غزل‌های حافظ از آنچه تصور می‌کردم دشوارتر بود، همه مشکلاتی که هنگام ترجمه دیگر شاعران کلاسیک فارسی با آن‌ها مواجه شده بودم دوچندان شد، ناکامی و شکست در ترجمه غزلیات ناب حافظ سبب شد که به مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد بیندیشم. جستار حاضر حاصل آن تأملات است (دیویس، ۱۳۹۱، ۶۳).

شگفتا که سال‌ها پیش از دیویس ادوارد فیتزجرالد، در سایه نبوغ و ذوق شاعرانگی خود، به ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ پی برده بود، چرا که به باور او دقائق و ظرائف آوایی و معنایی شعر حافظ در ترجمه از دست می‌رود. وی در نامه‌ای به ادوارد کاول در این باب چنین نوشت: «از ... حافظ، که غزلیاتِ نابش ترجمه‌ناپذیرند حرف نمی‌زنم، زیرا او خداوندگار موسیقی کلمات است. . . مطمئنم آنچه تنیسن به شما گفته — که حافظ شرقی‌ترین است، یا بهتر بود می‌گفت که پارسی‌ترین پارسیان است — کاملاً درست است» (حسینی، ۱۳۹۴). حافظ را شرقی‌ترین و یا پارسی‌ترین پارسیان پنداشتن، اشارتی ژرف بدین نکته است که شعر رندانه خواجه عصاره فرهنگ ایرانی و زبان فارسی تا روزگار اوست. رأی صوابی که دیویس نیز با آن همدل است:

شعر برخی از شاعران را ترجمه‌ناپذیر می‌دانند، شاعرانی که روح شاعرانه ملت خویش را به ظریف‌ترین وجه ممکن بیان می‌کنند: مانند پوشکین (۱۷۹۹-۱۸۳۷) در روسیه، گوته در آلمان (۱۷۴۹-۱۸۳۲)، و حافظ (۷۲۲ - ۷۹۲) در ایران. شاعرانی که آثارشان هویت یک ملت را آیینگی می‌کند همان‌هائی هستند که شعرشان به ترجمه تن نمی‌دهد و چه بسا این خصیصه به آثار آنان هاله‌ای از تخیل و تفاخر می‌بخشد. شعر آنان از آنجا که از عمیق‌ترین لایه‌های روح فرهنگ و نژاد یک ملت سر بر می‌آورد؛ به هیچ زبان دیگری قابل ترجمه نیست (دیویس، ۱۳۹۱، ۷۴).

صور عشق؛ حافظ، و شاعران شیراز دارای مقدمه‌ای مبسوط در باب این سه شاعر و مؤخره‌ای مفید و آگاهی‌بخش است. تا آنجا که به یاد دارم این نخستین بار است که گزیده‌ای از اشعار جهان ملک خاتون به انگلیسی ترجمه شده و در اختیار دوستداران و علاقه‌مندان قرار گرفته است. در مجموع، صور عشق؛ حافظ، و شاعران شیراز که به نظمی سخته و پخته به انگلیسی درآمده مانند سایر ترجمه‌های دیویس، در عین وفاداری و امانتداری، سلیس، روان و خوش‌خوان است.

فرجام سخن

دیک دیویس نزدیک به چهار دهه از عمر عزیز بی‌بدل خود را بر سر تحصیل، تدریس، و ترجمه ادبیات فارسی، به‌ویژه ادبیات کلاسیک، گذاشته است. با آن که برف پیری بر سر او نشسته، طبعش همچنان جوان و بالنده است. به حق باید او را مترجم خستگی‌ناپذیر ادبیات کلاسیک فارسی در روزگار ما دانست؛ به‌ویژه آن که ترجمه‌هایش حسن قبول نیز یافته است. از این رو به گمانم آرزوی دیرینش به واقعیت پیوسته، و اکنون، به تعبیری که خوش

می‌دارد، آرتور ویلی^۱ ادبیات فارسی است. نگارنده به‌عنوان یکی از خیل شیفتگان ادب کلاسیک پارسی جهد بی‌دریغ دیویس را ارج می‌نهم و به پاس تلاش بی‌وقفه او در معرفی آن به دنیای انگلیسی‌زبان کلاه از سر برمی‌دارم، و برای ایشان در ادامه راه پرتنگنای ترجمه و غنای کارنامه درخشانش بهترین‌ها را آرزو مندَم.

کتابنامه

- اپلتن، برایان. (۱۳۹۵). «مصاحبه با دیک دیویس»، ترجمه مصطفی حسینی، بخارا، زیر چاپ.
- امامی، کریم. (۱۳۸۵). *از پست و بلند ترجمه*، ج. ۲، تهران: انتشارات نیلوفر.
- بنانی، امین. (۱۳۷۳). «حماسه و نافرمانی»، *ایران‌نامه*، س ۱۲، صص. ۵۶۹-۵۷۳.
- پارسی‌نژاد، ایرج. (۱۳۸۳). «از نیکلسون تا بارکس: نگاهی بر ترجمه‌های انگلیسی از ادبیات کلاسیک فارسی»، صص. ۱۹-۲۵.
- تلطف، کامران. (۱۳۷۸). «نکته‌گوئی و قطعه‌سرایی: گشتی در گوشه‌های شعر کهن فارسی»، *ایران‌نامه*، س ۱۶، صص. ۵۶۹-۵۷۷.
- جواد، حسن. (۱۳۸۹). «بیزل بانتینگ، شاعر انگلیسی اوایل قرن بیستم»، *بخارا*، س ۱۳، ش ۷۷ و ۷۸، صص. ۵۷-۷۶.
- خزاعی‌فر، علی. (۱۳۷۶). «مصاحبه با دیک دیویس»، مترجم، س ۶، ش ۲۳ و ۲۴، صص. ۲۱-۲۹.
- حسینی، مصطفی. (۱۳۹۴). «آراء فیتزجرالد در باب ترجمه»، *مطالعات ترجمه*، س ۱۳، ش ۵۲، زمستان ۱۳۹۴، صص ۷-۱۸.
- دیویس، دیک. (۱۳۹۱). «در باب ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ»، ترجمه مصطفی حسینی و بهنام میرزابازاده فومشی، *ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)*، دوره سوم، شماره اول، صص. ۶۲-۷۵.
- (۱۳۹۵). «رامشگری در باغ»، ترجمه مصطفی حسینی، مترجم، س ۲۵، ش ۵۹، صص ۳۱-۴۳.
- (۱۳۹۶). «ادوارد فیتزجرالد»، ترجمه مصطفی حسینی، بخارا، زیر چاپ.
- دهباشی، علی. (۱۳۷۴). «گفتگو با دیک دیویس»، کلک، س، شماره، صص. ۱۴۸-۱۵۶.

^۱ وقتی که تحصیل در دوره دکتری را آغاز کردم استاد راهنمایم از من پرسید چرا می‌خواهم ادبیات کلاسیک فارسی بخوانم. در جواب گفتم «آرزویم این است که آرتور ویلی (۱۸۸۹-۱۹۶۶) زبان فارسی باشم». . . . آرتور ویلی بهترین مترجم انگلیسی ادبیات کلاسیک چینی و ژاپنی در نیمه اول قرن بیستم بود. ترجمه او از شاهکار داستان‌نویسی کلاسیک ژاپنی، *قصه گنجی*، از آثار غنائی کلاسیک چینی، و تعداد زیادی از دیگر شاهکارهای ادبی این دو زبان، این آثار را در دسترس مخاطبان علاقه‌مند انگلیسی قرار داد، و فوراً راه را برای حضور ادبی آنان در مغرب‌زمین هموار کرد. با این همه، بعدها بعضی از محققان بر او ایراد گرفتند، زیرا به گمان آنان ترجمه‌های ویلی بیش از اندازه مطابق ذوق و پسند غربیان بوده است. اما آثار او مشتاقان و خوانندگان بسیار زیادی یافت، و بی‌گمان تبخّر و تسلط او بر دقائق زبان انگلیسی نقش چشمگیری در موفقیت او داشت. امیدوارم که ترجمه‌های من از آثار کلاسیک فارسی به چنین خیل عظیمی از خوانندگان و علاقه‌مندان دست یابد (دیویس، ۱۳۹۵).

درنگی بر ترجمه‌های دیک دیویس ۱۰۳/۱۱۱۱

فرهادی، سمانه. (۱۳۹۴). «ترجمه جدید و منظوم دیک دیویس از موش و گربه عبید زاکانی»، مترجم، س ۲۴، ش ۵۶، صص. ۱۳۵-۱۴۲.
مؤید، حشمت. (۱۳۶۴). «منطق الطیر عطار، ترجمه و مقدمه به قلم افخم دربندی و دیک دیویس»، *ایران‌نامه*، س ۳، صص. ۵۲۹-۵۳۳.
یارشاطر، احسان. (۱۳۷۳). «حماسه و آشوب»، *ایران‌شناسی*، س ۵، صص. ۷۲۲-۷۲۴.

Appleton, Brian. (2014). "An Interview with Dick Davis: Professor and Translator". *Persian Heritage*, No. 74, pp. 29-32.

----- (2014). "An Interview with Dick Davis: Professor and Translator". *Persian Heritage*, No. 75, pp. 28-30.

Beard, Michael. "Borrowed Ware: Medieval Persian Epigrams by Dick Davis", *Iranian Studies*, Vol. 32, No. 4 (Autumn, 1999), pp. 588- 590.

Davis, Dick. (2008). *Vis & Ramin* by Fakhreddin Gorgani; translated from the Persian with an introduction and notes by Dick Davis. Mage Publishers.

FitzGerald, Edward. (1989). *Rubaiyat of Omar Khayyam*, edited with an introduction by Dick Davis. Penguin. London.

Omdsalar, Mahmoud. "Epic and Sedition: The Case of Ferdowsi's Shahnameh by Dick Davis", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 20, No. 2 (1993), pp. 237-243.
